

قرآن و هدایت در تصویر

به قوشش : عبدالله عزیز

برگردان : دکتر مسعود انصاری

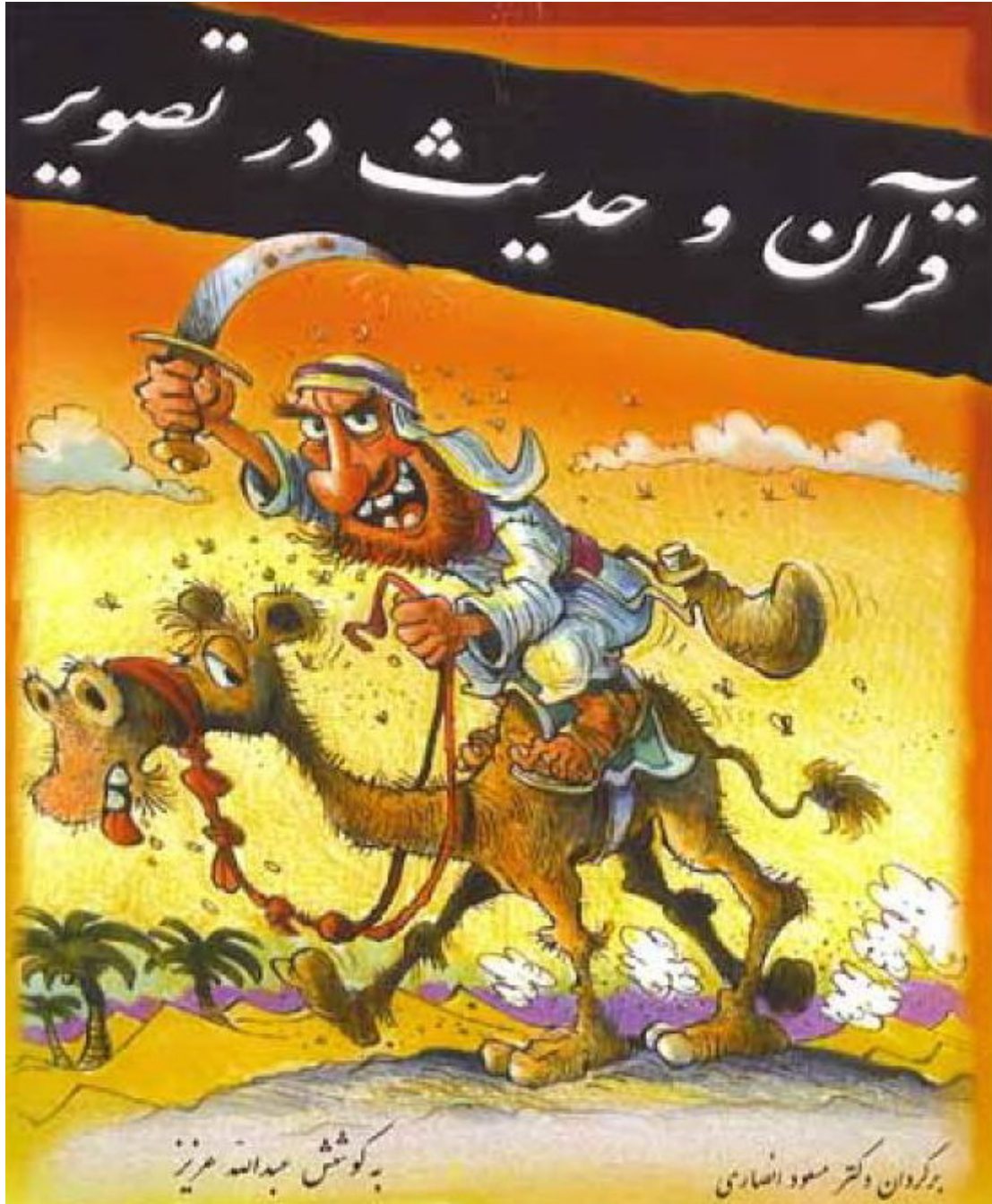
با توجه به اینکه بسیاری از غربی ها اسلام را پذیرش کرده اند، بایسته است که آنها تمام آموزش های اسلامی را نیز بدانند و بپذیرند. برای این کار، تمام مسلمانان باید به آنچه که در قرآن و حدیث آمده، ایمان بیاورند و آنها را مورد عمل قرار دهند. مسلمانان باید بدانند که نادیده گرفتن هر یک از اصول، احکام و آموزش های اسلامی، برگشتگی از دین بشمار می رود و مجازات چنین گناهی بسیار شدید و مرگ (۱) است. باشد که تمام مسلمانان آنچه را که به عنوان وحی در قرآن آمده است، بفوانند و به آن عمل کنند.

عبدالله عزیز

واژه مرگ از مترجم می باشد. (نگاه کنید به آیه های ۶۱ و ۶۲ سوره اذتاب - حدیث های ۴۱۲۰ ، ۴۱۳۱ و ۴۱۵۲ صحیح مسلم و حدیث شماره ۲۷۱ صحیح البخاری در جلد نهم، صفحه ۲۰۱).

باز نمود،

تمام ترجمه های آیه های قرآن که در این نشریه آمده، از قرآن مهدی الهی قمشه ای که به وسیله حکومت جمهوری اسلامی مورد تصویب قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده، برداشت شده است.





با توجه به اینکه بسیاری از غربی ها اسلام را به آموزش گردانیده، پایسته است که انما تمام
آموزش های اسلامی را نیز بدانند و بپذیرند. برای ابتکاره تمام مسلمانان باید به آنچه که
در قرآن و حدیث آمده ایمان بیاورند و انما را مورد عمل قرار دهند. مسلمانان باید
بدانند که نادره گرفتن هر یک از اصول، احکام و آموزش های اسلامی، برگشتگی از
دین بشمار می رود و مجازات چنین گناهی بسیار شدید و عریک (۱) است. باشد که تمام
مسلمانان آنچه را که بعنوان وحی در قرآن آمده است، بخوانند و به آن عمل کنند.

عبدالله هرمز

۱) آیه مرگ از مترجم است. نگاه کنید به آیه های ۱۱ و ۱۱ سوره احزاب. حدیث های
۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۳، صحیح مسلم، و حدیث شماره ۳۹، صحیح البیاضی، در جلد نهم
صفحه ۱۱۱.

پانجمون

تمام ترجمه های آیه های قرآن که در این نشریه آمده، از قرآن معنی نمی گشاید. این که
دولت های حکومت جمهوری اسلامی مورد تصویب قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده،
برپا داشته شده است.

مردهایی که الله آنها را بوزینه کرد

قرآن، سوره بقره، آیه ۶۵:

و شما بخوبی آگاهی دارید آنهایی که از میان شما احترام روز شنبه را نگه نداشتند، به آنها گفتیم:

« بوزینه شوید، بدبخت و بیچاره گردید و از درگاه ما دور شوید.»

قرآن، سوره اعراف، آیه های ۱۶۳ تا ۱۶۶:

ای پیامبر، از قوم بنی اسرائیل درباره شهری که در ساحل دریا بود پرسش کن. از آنها بپرس که چرا در روز شنبه مرتکب گناه شدند. بدین شرح که آنها روز شنبه هنگامی که در کنار ساحل بودند، ماهی ها نزد آنها آمدند و سرشان را از آب درآوردند (تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند)، در حالیکه ماهی ها در روزهای غیر شنبه دست به این کار نمی زدند. ما نیز آنها را برای انجام این کار اغوا کردیم، زیرا آنها گناه پیشه بودند. چون بند و موعظه آموزشگران در آنها اثری نکرد، برخی از افراد آن گروه گفتند: چرا شما قومی را که از جانب الله محکوم به مجازات های سخت و نابودی هستید موعظه می کنید؟ آموزشگران پاسخ دادند: برای اینکه وظیفه خود را در برابر الله آنها به فرجام برسانیم و شاید آنها خدا ترس شوند و چون آنها به پندهای آموزشگران گوش ندادند ما هم افرادی را که آموزشگر بودند نجات دادیم، ولی آنهایی را که ستمکار بودند به بدترین عذاب ها مجازات کردیم. هنگامی که آنها با تکبر و گستاخی مرتکب اعمال نکوهیده شدند به آنها گفتیم:

« به شکل بوزینه درآیید، ای بدبخت های از بخشایش دور مانده.»

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، فصل ۳۲، صفحه ۴۱۵:

الله می فرماید: ای پیامبر، از مردم درباره شهری که در کنار دریا واقع بود و آنها در ساحل دریا مقررات روز شنبه را نادیده گرفتند پرسش کن. در حالیکه در روزهای غیر شنبه از ماهی ها در آن دریا نشانه ای به چشم نمی خورد، ولی روز شنبه ماهی ها نزد مردم آن شهر آمدند تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند. الله نیز آنها را مجازات کرد و فرمود:

« به شکل بوزینه درآیید، ای بیچاره های بخت برگشته.»



ولی در سایر روزهای هفته، از ماهی‌ها در دریا خبری نبود.



در روزهای شنبه، ماهی‌ها سر از آب بیرون می‌آوردند تا مردم را وسوسه کنند که قانون شنبه را (که کار کردن در این روز منع شده بود)، بشکنند و آنها را بگیرند.



مردم بوسیله ماهی‌ها اغوا شدند و روز شنبه آنها را شکار کردند.



این چنین، الله مردم را به بوزینه تبدیل کرد.



یهودی های خوک و موش شده

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۲۴، صفحه ۳۳۳:

پیامبر فرمود: یکی از اقوام یهود ناپدید شد. هیچکس نمی داند چرا آن قوم ناپدید شد و به سر افراد آن چه آمد. ولی بنا به باور من، آنها به فرمان الله تبدیل به موش شدند. دلیل این امر آنست که اگر شما شیر شتر ماده را نزدیک یک موش بگذارید آن را نخواهد آشامید، ولی هرگاه شیر گوسفند را جلوی موش بگذارید آن را خواهد آشامید.

(۱) اسرائیلی ها از خوردن گوشت شتر و آشامیدن شیر آن منع شده، ولی خوردن گوشت گوسفند و آشامیدن شیر آن برایشان مجاز بود. پیامبر الله از اینکه موش ها بخوردن شیر گوسفند عادت داشتند به این حقیقت پی برد که برخی از اسرائیلی ها به موش تبدیل شده اند.

(۲) ولی مدتی بعد، به پیامبر وحی رسید که اسرائیلی ها به خوک و موش تبدیل شده اند و باور او درست از آب درآمد.



یهودی هایی که به موش تبدیل شده‌اند.



ایا تا کنون مشاهده کرده‌اید که موش‌ها
شیر کوسفند را می‌اشامند، ولی از آشامیدن
شیر شترهای ماده (ناقه) خودداری می‌کنند؟
این موضوع ثابت می‌کند که یهودی‌ها به موش
تبدیل شده‌اند.



این چنین یهودی‌ها به شکل خوک و موش درآمدند.



وحی به محمد

حدیث ها از صحیح البخاری، جلد اول، شماره های ۱، ۲، ۳، ۴ - جلد دوم، فصل ۱۶، صفحه ۲۵۴
جلد سوم، شماره های ۱۷، ۸۲۹ - جلد چهارم، شماره های ۹۵/۲، ۴۲۸، ۴۵۹، ۴۶۱
جلد پنجم، شماره های ۱۷۰، ۴۶۲، ۶۱۸، ۶۵۹ - جلد ششم، شماره های ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۶۸، ۴۷۸،
۴۸۱، ۵۰۸ :

در هنگام وحی در گوشهای محمد زنگ به صدا در می آمد، چهره اش قرمز میشد و نفسش به تنگی می افتاد. او در این زمان یا روی زمین می افتاد و یا دراز می کشید. در حالت وحی، بدن محمد به شدت می لرزید، چشمانش باز می ماند، لبانش به لرزه می افتاد، کف از دهانش سرازیر می شد و بدنش به شدت عرق می کرد. او در زمان وحی چیزهایی را می شنید و می دید که هیچ فردی در جهان ندیده و نشنیده است. او برخی اوقات در زمان وحی مانند شتر خرناس می کشید و او را با یک ملافه می پوشاندند.



هر زمانی که به محمد وحی می‌شد، گوشه‌های او زنگ می‌زدند.



قلب او به شدت می‌تپید، چهره‌اش
قرمز می‌شد و روی زمین می‌افتاد.



هنگامی که به محمد وحی می‌شد، او به شدت عرق
می‌کرد و کف از دهانش سرازیر می‌شد. در این زمان
او مانند شتر و با شخصی که در خواب است خرناس
می‌کشید.



در هنگام وحی، پیروانش او را تا پایان
وحی با یک ملافه می پوشاندند.



هنگامی که وحی به پایان می رسید،
محمد شروع به خواندن قرآن می کرد.



نشانه پیامبری

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۶:

زمانی که عبدالله بن سلام شنید که محمد به مدینه وارد شده است نزد او آمد و گفت: من از تو ۳ پرسش دارم که به غیر از یک پیامبر هیچ فرد دیگری پاسخ این پرسش ها را نمی داند،

۱) نخستین نشانه فرا رسیدن روز قیامت چیست؟

۲) نخستین خوراکی که ساکنان بهشت خواهند خورد چیست؟

۳) چرا یک فرد شبیه پدر و دیگری شبیه مادرش می باشد؟

پیامبر الله اظهار داشت: جبرئیل هم اکنون پاسخ پرسش های تو را به من وحی کرد.

عبدالله بن سلام به محمد گفت: جبرئیل فرشته از همه فرشته ها بیشتر دشمن یهودی هاست.

پیامبر الله گفت: نخستین نشانه روز قیامت آتشی است که مردم را از شرق به غرب خواهد آورد و نخستین خوراکی که یک فرد بهشتی خواهد خورد جگر ماهی است.

درباره شباهت کودک به پدر و یا مادر باید دانست که اگر در هنگام همخوابگی مرد زودتر به نقطه ارضای جنسی برسد، کودک شبیه به پدر و هرگاه زن زودتر به نقطه رضایت جنسی دست یابد، کودک شبیه مادر خواهد شد.

نشانه پیامبری

زمانی مردی برای اینکه بفهمد آیا محمد براستی پیامبر الله هست یا نه، از او پرسش هایی بعمل آورد.



چرا یک فرد انسان شبیه پدر و دیگری
شبیه دایی اش می شود.



جبریل فرشته، پاسخ پرسش های آن
مرد را برای محمد از آسمان آورد.



اگر در هنگام همخوابگی مرد زودتر به نقطه ارضای جنسی برسد،
کودک شبیه به پدر و هر گاه زن زودتر به نقطه رضایت جنسی
دست یابد، کودک شبیه مادر خواهد شد.



مهر پیامبری

قرآن، سوره احزاب، آیه ۴۰:

محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست، بلکه او رسول الله بوده و مهر و نشان پیامبری بر او موجود است.

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۸۹ و ۷۴۱:

الصائب یزید روایت کرده است: من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و مهر پیامبری را بین شانه های او دیدم و آن به اندازه میخ یک خیمه کوچک و یا تخم یک کبک بود.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۱:

الصائب بن یزید گفته است: من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و نشان پیامبری را بین شانه های او مشاهده کردم.

حدیث از صحیح مسلم، جلد چهارم، شماره های ۵۷۹۳ و ۵۷۹۰:

جابر بن سمورا می گوید: من مهر پیامبری را در پشت پیامبر الله دیدم. آن به اندازه تخم یک کبوتر بود. این حدیث را سیماک نیز تایید کرده است. صائب بن یزید اظهار داشته است: خالوی من، مرا نزد پیامبر الله برد و ... من پشت سر او ایستادم و مهر پیامبری را بین دو کتف او مشاهده کردم.

عبدالله بن سرجیس نیز اظهار داشته است: من روزی با محمد پیامبر الله بودم و ما با یکدیگر نان و گوشت خوردیم ... من سپس همراه او به خانه اش رفتم و مهر پیامبری را بین شانه های او در سمت چپ شانه اش مشاهده کردم که مانند یک خال سیاه بود.

مهر پیامبری

این خال سیاه چیست؟ اجازه می دهید آن را درآورم؟



خیر، این مهر پیامبری است و ثابت می کند
که من محمد، پیامبر الله می باشم.



داستان پیامبری یک شتر ماده غول پیکر

قرآن، سوره اعراف، آیه ۷۳:

و به قوم ثمود گفتیم: این شتر ماده نشانی از سوی الله است، بگذارید او در زمین الله چرا کند و به او آزاری نرسانید، زیرا در غیر این صورت به عذابی سخت گرفتار خواهید شد.

قرآن، سوره اعراف، آیه ۷۷:

ولی قوم ثمود از فرمان الله سرباز زدند و زانوهای شتر الله را پی کردند ... آنگاه زلزله ای بر آنها وارد آمد و همه آنها را در هنگام بامداد در خانه هایشان نابود کرد.

قرآن، سوره القمر، آیه ۲۳:

قوم ثمود آیه های الله را تکذیب کردند و نادیده گرفتند.

قرآن، سوره القمر، آیه ۲۷:

ما این شتر ماده را برای آزمایش آنها فرستاده بودیم.

قرآن، سوره القمر، آیه ۲۱:

آن قوم رهبر خود را خواندند و او با شمشیر زانوهای آن شتر ماده را پی کرد.

قرآن، سوره القمر، آیه های ۳۰ و ۳۱:

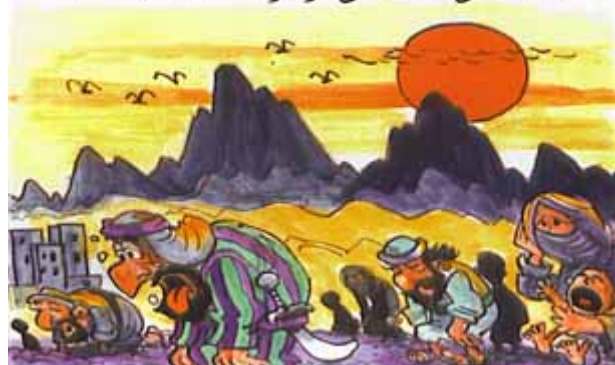
پس بنگرید که عذاب و مجازات ما چگونه سخت بود. ما برای هلاک آنها یک گردباد عظیم فرستادیم و همه به شکل گیاه خشکی که به چارپایان می دهند در آمدند.

قرآن، سوره شمس، آیه ۱۱:

پیامبر خدا (صالح) به آنها گفت: این شتر ماده الله است، از سیراب کردن آن خودداری نکنید. بنابراین الله نیز به سبب گناهی که قوم ثمود در کشتن شتر ماده او مرتکب شدند، آنها را هلاک کرد و شهرشان را با خاک یکسان نمود.

داستان پیامبری یک شتر ماده غول پیکر

خشکسالی دهشتناکی بر مردم ثمود نازل شد.



الله، فرمان داد که یک شتر ماده از کوهستانی ظهور کند.



به فرمان الله، آن شتر ماده
برای مردم شروع به وعظ کرد.



ولی مردم شریر ثمود، زانوهای
او را پی کردند و آن شتر را کشتند.



الله نیز زلزله ای فرستاد و مردم ثمود را نابود کرد.



قهرمانان غار

قرآن، سوره کهف، آیه های ۹ تا ۲۵:

آیا میدانی که رویداد یاران غار و سنگی که در آستانه در غار وجود داشت از آیات شگفت انگیز ما هستند؟ آنگاه که جوانان کهف وارد غار شدند، گفتند: ای الله، تو در حق ما مهر و محبت کن و ما را به راه راست هدایت فرما. ما سالهای متمادی بر روی گوشه‌هایشان پرده بیهوشی کشیدیم. سپس برای اینکه دریابیم کدامیک از آن دو گروه جوانان، مدتی را که در خواب بوده اند بهتر حدس می زنند، آنها را بیدار کردیم. ما داستان آنها را به درستی برای تو حکایت می کنیم ... آنها مدت ۳۰۹ سال در آن غار در خواب بودند.

قهرمانان غار

قرآن می گوید، چندین نفر مرد جوان
با سگشان وارد غار شدند.



آن مردان و سگشان به خواب رفتند.



آنها بین ۳۰۰ تا ۳۰۹ سال در غار به خواب رفتند.



سرانجام آنها از خواب بیدار شدند و در همان سن جوانی که وارد غار شده بودند، آنرا ترک کردند.



مردی که برای یکصد سال مرده بود

قرآن، سوره بقره، آیه ۲۵۹:

یا به مانند آنکس که از دهکده ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود. او گفت: در شگفتم که الله چگونه این مردگان را زنده خواهد کرد؟ بدین جهت، الله جان او را گرفت و مدت یکصد سال او را در حالت مردگی نگهداشت. سپس او را زنده کرد و به او گفت: چه مدت زمانی تو مرده بودی؟ پاسخ داد: یک روز و یا بخشی از یک روز. الله گفت: خیر اینگونه نیست، تو مدت یکصد سال مرده بودی، اکنون به خوراک و آشامیدنی خود نظر افکن که هیچ تغییری در آنها رخ نداده و به الاغت نگاه کن، ما ترا برای مردم حجت و دلیل قرار دادیم. همچنین به استخوانهای خود نگاه کن که ما چگونه آنها را به هم پیوسته و گوشت بر روی آنها پوشانیدیم.

مردی که برای یکصد سال مرده بود.

چگونه الله می تواند این شهر ویران شده را دوباره آباد و زنده کند.



الله فرمان داد که آن مرد برای یکصد سال بمیرد.



سپس الله، او و الاغ و متعلقاتش را به همان شکلی که در روز مرگ داشتند، برگردانید.

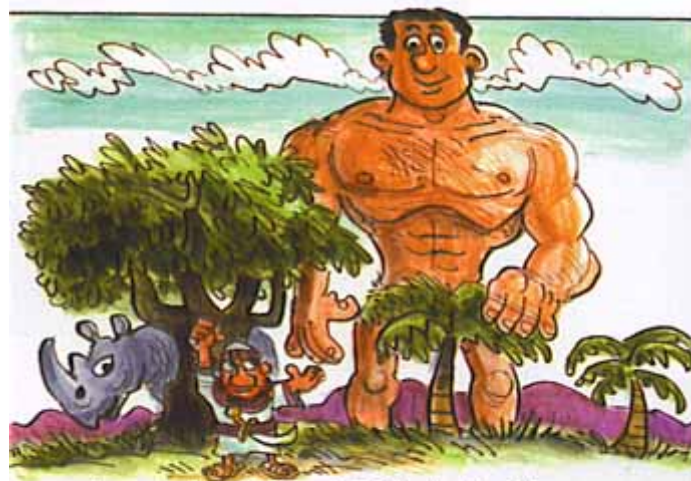


حضرت آدم قدش ۳۰ متر بود

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۳:

ابوهریره روایت کرده است که پیامبر الله گفت: هنگامی که الله حضرت آدم را آفرید، قد او ۳۰ متر بود.

حضرت آدم قدش ۳۰ متر بود!



محمد به پیروانش اظهار داشته است که قد آدم در زمان آفرینش ۲۰ متر و برابر با یک ساختمان سه طبقه بوده است.

ورود سگ و گربه ممنوع است

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۹:

ابوظلحه روایت کرد که پیامبر الله گفت: فرشته ها وارد خانه ای که در آن سگ و یا تصویر باشد نخواهند شد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۰:

عبدالله بن عمر روایت کرده است که محمد پیامبر الله فرمان داد که تمام سگها باید کشته شوند.

حدیث از صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۱:

ابن مقفل روایت کرد، محمد پیامبر الله فرمان داد سگها را بکشند و سپس افزود که سگهای شکاری و گله را می توان از این قاعده مستثنی نمود و باز فرمان داد: هنگامی که سگی به ظرفی لب می زند، باید آنرا هفت مرتبه شست و هشت مرتبه خاک مالی کرد.

حدیث از صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۲:

حدیث دیگری شبیه به حدیث های بالا وجود دارد که بوسیله شعیب روایت شده، ولی متن آن با حدیث روایت شده بوسیله یحیی تفاوت دارد. بدین شرح که در حدیث یحیی سگهای نگهبان گله، سگهای شکاری و سگهایی را که از کشتزارها نگهداری می کنند از کشتن معاف کرده، ولی حدیث روایت شده بوسیله شعیب تنها مورد سوم این استثنا را ذکر کرده و سگهای نگهبان کشتزارها را از کشتن معاف نموده است.

زیرنویس شماره ۴۸۶:

اسلام سگ را جانوری نجس به شمار می آورد و خوردن گوشت آن و نگهداری آنرا در خانه ها برای مسلمانان ممنوع می داند. با این وجود، نگهداری سگ برای شکار و گله داری و پاسبانی مجاز است.

فصل ۴۴۸، بهاگزاری روی سگ و فروش گربه ممنوع است

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۳:

ابو مسعود الانصاری روایت کرده است که پیامبر الله، بهاگزاری روی سگ را ممنوع برشمرده است.

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۶:

خاجی روایت کرده که پیامبر الله گفته است، بهاگزاری روی سگ یک عمل نارواست.

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۸:

ابوزبیر گفته است: من از جابر درباره بهای سگ و گربه پرسش کردم، پاسخ داد: پیامبر الله این کار ممنوع بر شمرده است.

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۹:

ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داده است که باید همه سگها را کشت.

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۰:

ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داد، سگها را بکشیم و مردانی را به گوشه و کنار مدینه فرستاد تا سگها را نابود کنند.

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۳:

ابو زبیر شنیده است که جابرین عبدالله گفته است: پیامبر الله به ما دستور داد سگها را بکشیم و ما تا آنجا دستور او را به مورد اجرا گذاشتیم که سگ زنی را هم که آن روز با خود از بیابان به شهر آورده بود، کشتیم. محمد گفت: وظیفه شماست سگی را که دارای دو خال سیاه است، بکشید زیرا او دیوی است که در کالبد سگ فرو رفته است.

(به جلد سوم صحیح مسلم و حدیث های شماره ۳۸۱۴ تا ۳۸۲۹ نیز نگاه کنید).

ورود سگ و کربه ممنوع است.

اگر در خانه ای سگ وجود داشته باشد، هیچ فرشته ای وارد آن خانه نخواهد شد. کربه حیوان دست آموز نیست. کربه ها برای فروش نیستند.



شیطان شبها در سوراخ بینی افراد مردم لانه می کند

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۱۶:

شیطان تمام مدت شب را در در بخش بالایی سوراخ بینی بیتونه می کند.

زیرنویس شماره (۱):

ما باید باور داشته باشیم که شیطان در بخش بالایی بینی افراد مردم لانه می کند، ولی نمی دانیم این کار را چگونه انجام می دهد، زیرا آگاهی به این عمل وابسته به دنیای اسرار و رموز است که ما از آن چیزی نمی دانیم، مگر اینکه پیامبر الله از آن به ما آگاهی دهد.

حدیث از صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۴۶۲:

ابو هریره روایت کرده است که پیامبر الله گفت: زمانی که هر یک از شما از خواب بیدار می شوید و وضو می گیرید، باید سه مرتبه در بینی خود آب فرو کشید، زیرا در هنگام شب شیطان در بخش داخلی سوراخ بینی شما بیتونه کرده است.

شیطان شبها در سوراخ بینی افراد مردم لانه می کند.



.... شیطان در بخش بالائی سوراخ بینی
شبها لانه می کند.



اینچنین باید آب را به بینی کشید
تا شیطان از آن خارج شود.



آقای عبدالله
لوده

.... پیش از برگزاری نماز با شستشوی بینی،
شیطان را از سوراخ آن خارج کنید.



بازی شطرنج ممنوع است

حدیث از صحیح مسلم، جلد چهارم، فصل ۹۶۶، شماره ۵۶۱۲:

پیامبر الله گفت: بازی شطرنج ممنوع است، زیرا هرکس به این بازی دست بزند مانند آنست که در گوشت و خون خوک دست فرو کرده باشد.

بازی شطرنج ممنوع است.



افراد غیر مسلمان دارای هفت روده هستند

حدیث از صحیح مسلم، جلد سوم، فصل ۸۶۲، شماره ۵۱۱۳:

یک مسلمان با یک روده، ولی یک فرد غیر مسلمان با هفت روده غذا می خورد.

ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله اظهار داشت: فرد غیر مسلمان با هفت روده ولی مسلمان مؤمن با یک روده غذا می خورد.

(به حدیث های شماره ۵۱۱۴ تا ۱۱۱۲۰ نیز نگاه کنید).

افراد غیر مسلمان دارای هفت روده هستند.



هنگام نماز خواندن به سمت بالا نگاه نکنید

حدیث از صحیح مسلم، جلد اول، فصل ۱۷۳، شماره ۸۶۳:

نگاه کردن به سوی آسمان در هنگام نماز خواندن ممنوع است.

ابوهریره روایت کرده است که پیامبر الله گفته است: مردم در هنگام دعا کردن و نماز خواندن از نگاه کردن به سوی آسمان خودداری کنند وگرنه حدقه های چشمهای آنها بیرون خواهد پرید.

- هنگام نماز خواندن به سمت بالا نگاه نکنید. -

اگر هنگام نماز خواندن سر خود را به سوی آسمان بلند کنید،
تخم چشمهایتان از حدقه‌هایتان بیرون خواهند پرید.



بالهای مرموز مگس

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۷:

ابوهریره روایت کرده است که محمد گفت: اگر یک مگس خانگی در آب آشامیدنی بیفتد، باید آنرا در آب خیس کرد، زیرا یک بال آن سبب ایجاد بیماری و بال دیگر موجب شفای بیماری خواهد شد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۳۷:

ابوهریره روایت کرده است که پیامبر اسلام گفت: هرگاه مگسی در ظرف آب شما بیفتد، آنرا در آب خیس کنید، سپس آنرا بگیرید و دور بیندازید زیرا یک بال آن بیماری آور و بال دیگرش سبب شفای آن بیماری خواهد شد.

بالهای مرموز مگس

اگر در آبی که می‌خواهید بپاشامید مگس افتاده است،
نکران می‌باشید و آبرای بپاشامید، بال دیگر آن دارای
ماده‌ای است که آن بیماری را شفا می‌بخشد.



گاهی اوقات حتی محمد نیز بخش هایی از قرآن را فراموش می کرد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد ششم، شماره ۵۵۸:

عایشه روایت کرده است که پیامبر الله شنید که فردی در شب قرآن می خواند، پیامبر گفت: الله به این فرد بخشایش دهش فرماید که با خواندن قرآن آیه هایی را که من فراموش کرده بودم به یادم آورد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۵۶۲:

عایشه روایت کرده است که از پیامبر الله شنید که فردی شبی در مسجد قرآن می خواند، پیامبر گفت: الله به این فرد برکت دهد که آیه هایی را که من فراموش کرده بودم به یادم آورد.



غروب خورشید

قرآن، سوره کهف، آیه ۸۶:

هنگامی که ذوالقرنین با غروب روبرو شد، فهمید که خورشید در چشمه آب تیره ای فرو رفته است.

غروب خورشید

هنگامی که خورشید از افق ناپدید می‌شود، به‌کجا می‌رود؟



خورشید در هنگام غروب، در چشمه آب تیره‌ای فرو می‌رود و به‌همین دلیل از آن پس تاریکی به‌وجود می‌آید.



محمد به وسیله دیگران سحر و افسون می شد

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۵۸:

عایشه روایت کرده است که مردی به نام لیبید بن الاعصم از طایفه بنی زریق، محمد را سحر می کرد و او را وادار می نمود تصور کند کاری انجام داده که در واقع آن کار از او سر نزده بود.

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۰:

عایشه روایت کرده است که پیامبر الله، گاهی اوقات سحر و افسون می شد و فکر می کرد با همسرانش همخوابگی کرده، در حالیکه در واقع به چنین عملی دست نزده بود... او در چنین زمانی زیر اثر سحر و افسون قرار می گرفت.

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۱:

عایشه روایت کرده است، محمد پیامبر را چنان سحر و افسون می کردند که او فکر می کرد، عملیاتی انجام داده که هیچگاه به آن کارها دست نزده بود.

— محمد بوسیله دیگران سحر و افسون می شد. —

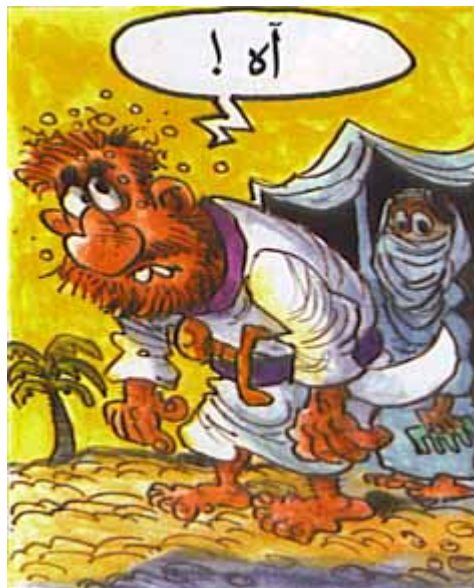


موهای سر محمد، پیامبر الله، شیش داشت

حدیث از صحیح البخاری، جلد نهم، شماره ۱۳۰:

روزی محمد به دیدار بانویی به نام امه حرم بنت ملحان که همسر عباد بن الصامت بود رفت، آن بانو برای محمد غذا آورد و شیش های موهای محمد را از او دور کرد.

موهای سر محمد، پیامبر الله، شیش داشت.



آشامیدن ادرار شتر

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۲۳۴:

محمد به آنها دستور داد، به محل وجود شترها بروند و شیر و ادرار آنها را بنوشند.

- آشامیدن ادرار شتر -



درختی که گریه سر داد

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۱:

جبیر بن عبدالله روایت کرده است: محمد عادت داشت پیش از استفاده از منبر، زیر شاخه ای از درخت خرما بایستد و موعظه کند. زمانی که برای او منبری ایجاد کردند، آن درخت مانند یک شتر ماده آبستن آنقدر گریه کرد تا اینکه پیامبر الله از منبر پایین آمد و دستش را روی آن نخل خرما قرار داد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۸۳:

ابن عمر روایت کرده است، محمد پیغمبر عادت داشت که در کنار یک درخت خرما بایستد و برای پیروانش وعظ کند. هنگامی که برای او منبری ساخته شد، او به جای ایستادن در کنار نخل خرما بالای منبر می رفت و موعظه می کرد. این موضوع سبب شد که درخت خرما گریه سر دهد تا اینکه محمد نزد آن درخت رفت و با نوازش آن، درخت از گریه کردن باز ایستاد.

- درختی که گریه سر داد. -

زمانی که محمد به جای وعظ در زیر یک درخت خرما روی منبر رفت، آن درخت مانند یک کودک شیرخوار به گریه افتاد.



درخت آنقدر گریه کرد تا اینکه محمد منبر را ترک کرد و به نوازش آن درخت پرداخت.



پنجه های زندگی بخش

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۷۰:

محمد دستش را در آن کوزه فرو برد و به مردم فرمان داد از آب آن کوزه وضو بگیرند. من به چشم دیدم که از انگشتان او آب فوران کرد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۳:

من قطرات آب را می دیدم که از زیر انگشتان او شروع به فوران کرد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۶:

و چون دست خود را در آن کوزه فرو برد، آب مانند چشمه از زیر انگشتان وی فوران کرد.

– پنجه های زندگی بخش –

زمانی بود که مسلمانان با نبود آب روبرو شده بودند.



آنقدر از انگشتان محمد آب سرازیر شد که مردم هر اندازه که میل داشتند از آن آب آشامیدند.



غذایی که فریاد می زد

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۹:

بدون تردید مشاهده کردیم، هنگامی که محمد غذا در دهان می گذاشت، آن غذا الله را ستایش می کرد.

- غذایی که فریاد می زد -



چکش الله ، چکش آهنین

حدیث ها از صحیح البخاری و صحیح مسلم:

ابو قتاده روایت کرده است که انس بن مالک گفت: محمد پیامبر الله اظهار داشت، یک فرد مرده هر دو مکان خود را خواهد دید. یک فرد نامسلمان و یا منافق در برابر پرسش فرشته ها پاسخ خواهد داد، آنچه که من می دانم اینست که متهم همان مطالبی را که سایر افراد بشر می گفتند، بر زبان می آورد.

به او گفته خواهد شد: پس چرا از آنهایی که علم و آگاهی داشتند، راهنمایی نخواستی؟

آنگاه فرشته ها با یک چکش آهنین بین دو گوشه‌هایش خواهند کوفت و او شروع به فریاد زدن خواهد کرد. فریادهای او را همه موجودات عالم به غیر از افراد بشر و جن ها خواهند شنید.

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۲۲:

انس بن مالک روایت کرده است که و پیامبر الله گفت: هنگامی که فرد مرده ای را در گور می گذارند، دو فرشته نزد او می آیند و به او فرمان می دهند بنشینند و از او پرسش می کنند: تو درباره محمد چه عقیده ای داری؟

مرده پاسخ می دهد: گواهی می دهم که او بنده و رسول الله است.

آنگاه فرشته ها به او می گویند: به آتش دوزخ نگاه کن، الله به جای آن آتش دوزخ، به تو موهبت بهشت را ارزانی داشته است.

ولی یک فرد نامسلمان و یا منافق به فرشته ها می گوید: من به هرچه که دیگران می گفتند، باور داشتم.

فرشته ها به او می گویند: چرا تو از آنهایی که به حقایق آگاهی داشتند و یا با خواندن قرآن، راهنمایی نگرفتی؟

آنگاه فرشته ها با یک چکش آهنین میان دو گوش او می کوبند و او آنچنان فریاد سر می دهد که به غیر از افراد بشر و جن ها، همه موجودات جهان آنرا می شنوند.

حدیث ۲۲۱۴، جلد اول از ابو داوود:

او نیز از یک مرده بدون ایمان سخن به میان آورد و گفت:

پس از مرگ روان مرده وارد بدنش خواهد شد و دو فرشته نزد او می آیند و به او دستور می دهند، بنشینند و از وی پرسش می کنند خدای او کیست؟

مرده پاسخ می دهد، افسوس، افسوس که نمی داند خدایش کیست. فرشته ها پرسش می کنند: دین او چیست؟ پاسخ می دهد، افسوس، افسوس که نمی داند. فرشته ها از او پرسش می کنند: چه کسی از میان شما به پیامبری الله برایتان فرستاده شد؟ پاسخ می دهد، افسوس، افسوس که نمی داند.

آنگاه از بهشت فریادی به گوش می رسد که این فرد دروغگوست، در دوزخ را به رویش باز کنید و او را در آتش سرنگون نمایید. سپس، باد سوزانی از آتش دوزخ به سوی او خواهد آمد و گورش را به گونه ای تنگ خواهد کرد که استخوانهایش در هم شکسته می شوند.

جابر افزوده است: آنگاه فرشته ای که کر و کور است با یک پتک آهنین مامور غذاب او خواهد شد و آنچنان پتک آهنین را به میان دو گوش آن مرده خواهد کوبید که اگر آن ضربه به کوه وارد شود، آنرا تبدیل به گرد و خاک خواهد کرد. در این زمان فریاد آن مرده را همه جهانیان در شرق و غرب عالم، به غیر از افراد بشر و جن ها خواهند شنید.

- چکش الله -



فرشته ای که ۶۰۰ بال دارد

حدیث از صحیح البخاری، جلد ششم، شماره ۳۸۰:

محمد پیامبر الله گفته است: جبرئیل، فرشته الله دارای ۶۰۰ بال است و من آنرا به چشم دیده ام.

- فرشته ای که ۶۰۰ بال دارد. -



خطر خواب رفتن در بین برگزاری نماز

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۲۴۵:

اگر کسی در هنگام برگزار کردن نماز به خواب رود، شیطان در گوشه‌هایش ادرار خواهد کرد.

عبدالله نیز روایت کرده است که محمد پیامبر الله اظهار داشت:

شیطان در گوشه‌های کسی که در هنگام نماز خواندن به خواب رود ادرار می‌کند.

خطر خواب رفتن در بین برگزاری نماز



خوردن سیر و پیاز ممنوع

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۸۱۲:

پیامبر الله گفته است: هرکسی که سیر و پیاز خام و غیر پخته شده بخورد، نباید نزدیک مسجد ما بیاید.

(همچنین به حدیث های شماره ۸۱۳ تا ۸۱۵ نگاه کنید).

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۲:

عبدالغزیز روایت کرده است که از انس بن مالک پرسش شده است: از پیامبر الله درباره سیر چه شنیدی؟ انس بن مالک پاسخ داده است: هرکسی سیر بخورد نباید نزدیک مسجد بیاید.

حدیث از صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۳:

جابر بن عبدالله از محمد پیامبر الله روایت کرده است که او گفت: هرکسی سیر و یا پیاز خورده باشد، نباید نزدیک ما بیاید.

خوردن سیر و پیاز ممنوع

اگر شما سیر و پیاز
بخورید ...



اگر پیش از نماز خواندن، دهان شما بوی بد بدهد،
الله به شما گوش نخواهد داد.



احساس دهان دره از دوزخ سر چشمه می گیرد

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۰۹:

ابوهریره از قول محمد روایت کرده است که او گفت: دهان دره کار شیطان است.

احساس دهان دره از دوزخ سرچشمه می گیرد



آتش دوزخ برای زنها

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۲۹:

محمد پیامبر الله گفت: من آتش دوزخ را به چشم دیدم و بیشتر افرادی که در دوزخ می سوختند زنهایی ناسپاس و خودسر بودند.

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۰۱:

پیامبر الله گفت: ای زنان شما باید صدقه بدهید، زیرا من به چشم دیدم که بیشتر ساکنان دوزخ از شما زنها بودند ... من هیچ فردی را ندیده ام که از شما بیهوش تر و بدون مذهب تر باشد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۱:

من آتش سرکش و استخوان سوز دوزخ را به چشم دیدم و بیشتر ساکنان دوزخ زنها بودند.

- آتش دوزخ برای زنها -

محمد گفته است، «بیشتر فضای دوزخ را زنها پر می کنند».



محمد از آمرزش خود اطمینان نداشت

حدیث از صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۶۶:

به الله سوگند، اگرچه من پیامبر الله هستم، با این وجود نمی دانم در روز قیامت الله با من چه خواهد کرد.

محمد از آمرزش خود اطمینان نداشت



محمد، پیامبر الله از چه چیزهایی می ترسید؟

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۷:

زمانی خورشید گرفت و محمد از ترس از جای خود پرید، زیرا فکر کرد روز قیامت فرا رسیده است.

محمد، پیامبر الله از چه چیزهایی می ترسید؟



هنگامی که ماه و یا خورشید می گرفت، محمد به وحشت می افتاد.



درمان بخشی برگهای نخل (درخت خرما)

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۴۳:

هنگام گذر کردن از گورستان، محمد به گور دو نفر رسید که فرشته های عذاب آنها را در آن گور شکنجه می کردند ...

محمد یک برگ سبز درخت خرما را برداشت و آنرا به دو تکه پخش کرد و هریک را روی گور یک از آن دو قرار داد و اظهار داشت:

امیدوارم تا زمانی که این دو تکه برگ نخل خشک می شوند، از عذاب این دو نفر کاسته شود.

درمان بخشی برگهای نخل (درخت خرما)

اگر شما برگ سبز نخلی را روی گور مردهائی که در دوزخ زیر شکنجه و عذاب هستند قرار دهید، همچنانکه آن برگ خشک می شود، از شدت فشار عذاب آن مرده کاسته خواهد شد.



پوست بدن محمد چه رنگی داشت؟

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۶۳:

زمانی ما با محمد در مسجد نشسته بودیم، مرد شتر سواری وارد مسجد شد و شترش را وادار کرد زانو بزند و افسار آن را بست و سپس اظهار داشت، کدامیک از شما محمد است؟

در آن زمان محمد بین ما نشسته و به بازوانش تکیه داده بود، ما گفتیم: آن مرد سفید پوستی که به بازوانش تکیه داده است.

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۲۲:

محمد مردی سفید پوست بوده است.

حدیث از صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۱۴۱:

انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله هیچگاه دستهایش را هنگام دعا کردن بلند نمی کرد، مگر برای استسقا (دعا برای رفع بی آبی)، در این زمان نیز دستهایش را تا آن اندازه بالا می برد که سفیدی زیر بغلهایش دیده می شد.

حدیث از صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۴:

اسماعیل بن ابی خالد از قول ابو جحیفا روایت کرده است که او گفت: من محمد پیامبر الله را دیده ام و حسن بی علی بسیار به او شباهت داشت. من از ابوجحیفا خواستم مشخصات محمد پیامبر الله را بیان کند.

او گفت: محمد سفید پوست و ریشهایش جو گندمی بودند. او قول داده بود، ۱۳ شتر ماده به ما دهش کند ولی پیش از وفای به عهد درگذشت.

پوست بدن محمد چه رنگی داشت؟

سفیدی زیر بغل‌های او هویدا شد!



او مردی سفیدپوست بود.



ران پیامبر الله لخت بود

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۶۷:

عبدالعزیز از قول انس بن مالک روایت کرده است که هنگامی که محمد پیامبر الله به خیبر حمله کرد، ما پیش از طلوع خورشید درخواست کردیم نماز بامداد را برگزار کنیم.

محمد و ابو طلحه سوار شتر شدند و منم پشت سر ابو طلحه برای برگزاری نماز به راه افتادیم. هنگامی که از کنار دیوارهای خیبر می گذشتیم، زانوی من با ران محمد پیامبر الله برخورد کرد، در این زمان شال کمر پیامبر الله بالا رفته بود و ران او لخت بود.

ران پیامبر الله لخت بود



موهای سر محمد، پیامبر الله چه رنگی داشت؟

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۶۷:

بدون تردید، محمد پیامبر الله، موهایش را با حنا قرمز در می آورد و از این رو من نیز میل دارم موهایم را با حنا رنگ کنم.

(به حدیث های جلد چهارم شماره ۷۴۷ و جلد هفتم شماره ۷۸۵ نیز نگاه کنید).

موهای سر محمد پیامبر الله، چه رنگی داشت؟



عروس کودک سال

حدیث از صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۴:

عایشه روایت کرده است، هنگامی که ۶ ساله بودم، محمد پیامبر الله مرا نامزد کرد ... در آن زمان من با کودکان همبازی ام، بازی چرخش می کردیم ... یک روز بعد از ظهر، پیامبر الله بگونه ناگهانی به خانه ما آمد و مادرم مرا به او تحویل داد. من ۹ سال بیشتر نداشتم.

حدیث از صحیح البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۶:

محمد پیامبر ... هنگامی که عایشه ۶ ساله بود با او زناشویی کرد و زمانی که عروس به ۹ سالگی رسید، او را به حجله برد.

عروس کودک سال

زمانی که عایشه ۶ ساله بود،
محمد او را نامزد خودش کرد



... وهنگامی که عایشه ۹ ساله شد
محمد با او زناشوئی کرد.



پیامبر الله و حبشی ها

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۶۶۲:

انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله گفت: یک فرد حبشی که سر او شبیه یک دانه کشمش می باشد.

(به حدیث جلد نهم شماره ۲۵۶ نیز نگاه کنید).

پیامبر الله و حبشی ها



جبرئیل فرشته، سینه محمد را پاره کرد

حدیث از صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۳۵۴:

ابوذر روایت کرد که محمد پیامبر الله، اظهار داشت: هنگامی که من در مکه بودم، سقف اتاق خانه ام برداشته شد و جبرئیل در اتاق فرود آمد و سینه مرا پاره کرد و آنرا با آب زمزم شستشو داد. سپس محتویات یک سینی طلایی را که پر از عقل و ایمان بود در سینه من ریخت و پارگی آنرا بست.

جبرئیل فرشته، سینه محمد را پاره کرد





پایان

سپاس و ستایش

بایسته است از دوست فروهنده ام، جناب آقای مهندس مهیار ایرانی که با مهر و کوششی سفاوتمندانه و نیز دانش گسترده و هنر فرچودگر خود، امکان تولید این نشریه را فراهم نمودند. از شرفای دل سپاسی که هوده رسان مهر و کوشش ایشان نفواهد بود، به پیشگاه والایشان فراداشت کنم.

دکتر مسعود انصاری.